

## شیوه‌های مواجهه با حوادث و بلایا در سخن و سیره امام سجاد علیه السلام

کاظم دلیری \*

### مقدمه

حوادث و بلایا، بخشی از حقایق زندگی انسان هستند. ترس و ناامنی، گرسنگی و فقر، بیماری و معلولیت‌های جسمی، فقدان عزیزان و خسارات مالی و آزار و اذیت‌های جسمی و روحی دیگران، از مهم‌ترین حوادث و بلایایی هستند که افراد بشر با آن درگیرند. این حوادث و بلایا گاه با اسباب طبیعی، مانند سیل و زلزله رخ می‌دهد و گاه با اسباب بشری، مانند جنگ. موضع‌گیری درست در برابر این حوادث و بلایا، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در زندگی انسان دارد. این نوشتار بر آن است تا با بهره‌گیری از سخن و سیره پیشوای چهارم، امام زین‌العابدین علیه السلام، شیوه‌های مواجهه درست با حوادث و بلایا را مشخص کند؛ زیرا این اسوه صبر و شکیبایی از ابتدا تا انتهای حادثه کربلا حضور داشت و از یک سو بار سفر و مصیبت شهادت و فراق عزیزان خود را به دوش کشید و از سوی دیگر رنج اسارت را به جان خرید و همه مراحل آن را به زیبایی پشت سر گذاشت. در سخن و سیره این امام همام، دست‌کم سه شیوه کلی برای برخورد با حوادث و بلایا وجود دارد که به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

### الف. اصلاح نگرش‌ها

نخستین گام برای مواجهه درست با حوادث و بلایا، اصلاح نگرش خود نسبت به

\* دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم.

این موضوع است؛ زیرا همواره نگرش‌ها، جهت‌دهنده رفتارهای انسان هستند. برای اصلاح نگرش‌ها، شناخت چند نکته ضروری است که در این جا با تأکید بر کلمات امام سجاد علیه السلام آن‌ها را تبیین می‌کنیم.

### ۱. آمیختگی دنیا با بلا

دنیا سرایی است که با بلا آمیخته است و هیچ کس از اهل آن، از گردونه بلا خارج نیست. درک درست این مطلب و پذیرش آن، توقع و انتظار ما را از دنیا پایین می‌آورد و تحمل بسیاری از دشواری‌های آن را بر ما آسان‌تر می‌کند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف دنیا فرمود: «دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَخْفُوفَةٌ وَ بِالْعَدْرِ مَعْرُوفَةٌ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَ لَا يَسْلَمُ نَزَالُهَا أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ وَ تَارَاتٌ مُتَصَرِّفَةٌ...»<sup>۱</sup> سرایی است پیچیده به بلا و معروف به خیانت. احوالش پایدار نمی‌ماند و ساکنانش در سلامت نمی‌مانند. حالانش گوناگون و نوبت‌هایش [از نظر نعمت و زحمت] دگرگون است».

دنیا به‌خودی‌خود، بد نیست؛ زیرا جلوه عظمت پروردگار و عبادتگاه خدا و محل تکامل اولیای خداست. مشکل اصلی، نحوه نگرش ما به دنیاست که آن را آرمان‌شهر و کعبه آمال خود قرار می‌دهیم. از این رو در دنیا تنها به دنبال راحتی و رفاه می‌گردیم و نمی‌توانیم بلاها و سختی‌های آن را تحمل کنیم؛ در حالی که چنین نیست و دنیا، عاریت‌سرای بیش نیست و مقصد اصلی، سرای آخرت است. بر این اساس مرگ و خروج از دنیا، سرآغاز راحتی مؤمن از درد و غم و گرفتاری‌های دنیاست؛ به‌گونه‌ای که وقتی مؤمن در آستانه خروج از دنیا قرار می‌گیرد و میان بازگشت به دنیا و سفر به عالم آخرت معیّر می‌شود، هرگز آرزو و درخواست بازگشت به دنیا را نمی‌کند. چنان‌که امام زین‌العابدین علیه السلام فرمود: «هنگامی که فرد مؤمن را غسل می‌دهند، به روحش گفته می‌شود: آیا دوست داری به همان جسدی که در آن بودی، برگردی؟ و او پاسخ می‌دهد: با بلا و زیان‌کاری و غم [دنیا] چه کنم؟!»<sup>۲</sup> یعنی اگر به کالبد جسمانی‌ام برگردم، باید دوباره به دنیای پر از بلا و غم و خسران برگردم؛ در حالی که به تازگی از آن آسوده شده‌ام.

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج‌البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۳۴۸.

۲. حسین بن سعید کوفی اهوازی؛ المؤمن؛ ص ۲۴، ح ۳۲.

## ۲. نکوهش عافیت‌طلبی مطلق

عافیت‌طلبی در دنیا، امری ناپسند است. مصیبت‌ها و بلاها، عرصه امتحان بندگی انسان‌هاست. خداوند هر که را بیشتر دوست بدارد، از جام بلایش بیشتر به او می‌نوشاند تا در بزم قربش نزدیک‌تر گرداند؛ از این رو انبیا و اولیای الهی به حسب مقام و منزلت خود نزد خدا، بیشترین مصیبت‌ها و سختی‌ها را به جان خریدند. پس از آنان نیز مؤمنان عادی به حسب مرتبه ایمانی خود بیش از دیگران در سختی و بلا بوده‌اند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَهْلَ الْحَقِّ لَمْ يَزَالُوا مُنْذُ كَانُوا فِي شِدَّةٍ، أَمَا إِنَّ ذَلِكَ إِلَى مُدَّةٍ قَلِيلَةٍ وَعَافِيَةٍ طَوِيلَةٍ»<sup>۱</sup> اهل حق از همان ابتدا پیوسته در سختی بوده‌اند. هان! که این سختی تا مدت زمان اندک، و به دنبال آن عافیت طولانی است». بنابراین حرکت در مسیر بندگی، مستلزم تحمل سختی‌ها و گرفتاری‌هاست؛ چنان‌که حافظ می‌گوید:

نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست  
عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد<sup>۲</sup>

امام سجاد علیه السلام درباره نکوهش عافیت‌طلبی فرمود: «إِنِّي لَا أَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يُعَافَى فِي الدُّنْيَا فَلَا يُصِيبَهُ شَيْءٌ مِنَ الْمَصَائِبِ»<sup>۳</sup> من خوش ندارم که فرد در دنیا در عافیت باشد و چیزی از مصائب به او نرسد». همچنین آن حضرت درباره درد «تب» فرمود: «نِعْمَ الْوَجَعُ الْحُمَّى تُعْطِي كُلَّ عَضْوٍ قِسْطَهُ مِنَ الْبَلَاءِ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُتْتَلَى»<sup>۴</sup> خوب دردی است تب. سهم بلای هر عضوی را می‌دهد و در کسی که مبتلا نمی‌شود، هیچ خیری نیست».

در طریق عشق‌بازی امن و آسایش بلاست

ریش<sup>۵</sup> باد آن دل که با درد تو خواهد مرهمی

اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست

رهروی باید جهان‌سوزی نه خامی بی‌غمی<sup>۶</sup>

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۲۵۵.

۲. شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی؛ *دیوان حافظ با شرح کامل ابیات*؛ ص ۱۵۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۲۵۶.

۴. محمد بن علی صدوق؛ *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*؛ ص ۱۹۲.

۵. ریش به معنای مجروح و زخمی.

۶. شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی؛ *دیوان حافظ با شرح کامل ابیات*؛ ص ۴۰۷.

البته این مطالب به این معنا نیست که از خداوند بلاها را درخواست کنیم؛ بلکه به این معناست که باید حقیقت بلا را بشناسیم و در برابر خواست الهی تسلیم باشیم. امام سجاد علیه السلام بر مردی گذر کرد که از خداوند می‌خواست به او صبر عطا کند. حضرت به او فرمود: «چنین مگو و از خدا عافیت و شکر بر عافیت را بخواه که شکر بر عافیت، بهتر از صبر بر بلاست. دعای پیامبر این بود: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ بارالها، از تو عافیت و شکر بر عافیت را در دنیا و آخرت می‌خواهم».

### ۳. بی‌ارزشی دنیا و ارزشمندی آخرت

یکی دیگر از نکاتی که چشم‌انداز بلا را در نظر انسان اصلاح، و تحمل آن را آسان می‌کند؛ توجه به بی‌وفایی و بی‌ارزشی دنیا در مقایسه با آخرت است. شناخت حقیقت دنیا، کاستی‌ها و محدودیت‌های آن و نیز شناخت حقیقت آخرت و محاسن آن، انسان را از دنیازدگی و دنیاپرستی می‌رهاند و او را دلبسته و شیفته آخرت می‌کند. در واقعه کربلا حضرت سیدالشهدا علیه السلام در مواقف متعدد، از بی‌وفایی و بی‌ارزشی دنیا و تبیین حق بودن مرگ سخن گفته و از همان ابتدای قیام، توجهش به سوی رضای خدا و سعادت سرای آخرت بوده است؛ از این رو هر نوع بلا و سختی را در این راه به جان خریده است. امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

پدرم از همان ابتدای خروج [و حرکت به سوی کربلا] در هر منزلی که فرود می‌آمد و از هر منزلی که کوچ می‌کرد، یحیی بن زکریا و شهادتش را یاد می‌کرد.<sup>۱</sup> حضرت با این بیان، به حوادث آینده که سر مبارکش را برای ابن‌زیاد و یزید هدیه می‌برند، اشاره کرد. این مطلب از بی‌ارزشی دنیا نزد خدا حکایت می‌کند؛ و گرنه اجازه نمی‌داد که با اولیای او چنین کنند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

در شب عاشورا پدرم در خیمه خودش نشسته بود و این اشعار را می‌خواند:

۱. علی بن حسن طبرسی؛ مشکاة الأنوار؛ ص ۲۵۸؛ سعید بن هبة الله قطب‌الدین راوندی؛ الدعوات؛ ص ۱۱۴.

۲. محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۱۳۲.

يا دهرُ أفَّ لكَ مِن خَليلٍ  
 مِن صاحِبٍ أو طالِبٍ قَتيلٍ  
 و إنما الأمرُ إلى الجَليلِ  
 كَمَ لَكَ بِالإِشراقِ و الأَصيلِ  
 و الدَّهْرُ لا يَقْنَعُ بِالْبَدِيلِ  
 و كُلُّ حَیِّ سَالِكِ سَبيلِی

ای روزگار أف بر دوستی تو؛ چقدر بامدادان و شامگاهان رفیقان و خواهندگانت کشته شده‌اند و روزگار راضی نمی‌شود که کسی را به جای کسی بگیرد؟! همانا کار به پروردگار جلیل واگذار شده است و هر موجود زنده‌ای راهی را می‌پیماید.

پدرم این ابیات را دو سه مرتبه خواند تا مقصودش را دانستم. بغض گلویم را گرفت، ولی بغضم را برگرداندم و سکوت کردم و دانستم که بلا نازل شده است.<sup>۱</sup>  
 دو روزی با غم و رنج حوادث صبر کن بیدل

جهان آخر چو اشک از دیده‌ات یک بار می‌افتد<sup>۲</sup>

#### ۴. مقابله با تحریف عقیدتی حادثه کربلا

یکی از اقدامات فرهنگی امام زین‌العابدین علیه السلام در ایام اسارت، ایستادگی در برابر تحریفات عقیدتی حادثه به‌عنوان یک ابتلای بزرگ تاریخی و ارایه تفسیری صحیح از آن برای مصون ماندن این واقعه از تحریف مغرضان و بدخواهان بود. برای مثال وقتی آن حضرت با ابن‌زیاد روبه‌رو شد و از نامش پرسید، حضرت فرمود: «علی بن حسین هستم». ابن‌زیاد گفت: «آیا خدا علی بن حسین را نکشت؟!». فرمود: «برادری داشتم که نامش علی [اکبر] بود، مردم او را کشتند». ابن‌زیاد گفت: «بلکه خداوند او را کشت». حضرت در جواب او این آیه قرآن را تلاوت کرد: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا»<sup>۳</sup> خدا جان‌ها را در هنگام مرگشان می‌ستاند.<sup>۴</sup>

ابن‌زیاد و حکومت پلید اموی در تبیین واقعه کربلا برای مردم به گونه‌ای عمل می‌کردند که کشتن امام حسین علیه السلام و یارانش، امر مشروعی بوده که خداوند به آن راضی بوده است؛ زیرا امام حسین علیه السلام از اجماع مسلمین و بیعت با یزید به‌عنوان

۱. لوط بن یحیی ابومخنف؛ *وقعة الطف*؛ ص ۲۰۰؛ محمد بن محمد مفید؛ *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*؛ ج ۲، ص ۹۳.

۲. عبدالقادر بیدل دهلوی؛ *کلیات بیدل*؛ ج ۱، ص ۵۶۴.

۳. زمر: ۴۲.

۴. جعفر بن محمد ابن‌نما حلی؛ *مثیر الأحرار*؛ ص ۹۱.

خلیفه مسلمانان خارج شده است. سخنان ابن‌زیاد با امام علیه السلام نیز بر این اندیشه مبتنی بود. امام سجاد علیه السلام با کمال شجاعت و شهامت در برابر این اندیشه ناروا ایستاد و در درجه اول به ابن‌زیاد اعلام کرد که خداوند به کشتن برادرم (علی اکبر) راضی نبوده است و برادرم همچون هابیل به ظلم و بیداد کشته شد. پس این ادعا که کشته شدن او کیفر بدی‌اش بوده است، مدعا و مغالطه‌ای باطل است. وقتی ابن‌زیاد بر سخن باطل خود اصرار ورزید، امام علیه السلام آن را به نفع خود مصادره کرد و فرمود: آری، برادرم را خداوند کشت؛ ولی به این معنا که خداوند مانند همه انسان‌های دیگر به هنگام وفات، جان او را گرفت و مجرد قبض روح از سوی خدا، نشانه خوبی، یا بدی فرد نیست.

### ب. دعا برای رفع بلا

دومین شیوه مواجهه درست با حوادث و بلاها، دعا برای رفع بلا پیش از نزول آن است که به برخی نکات در این زمینه اشاره می‌شود.

#### ۱. تأثیر دعا در رفع بلا

دعا یکی از عوامل تأثیرگذار در رفع بلاست. اگر انسان نسبت به نزول حوادث و بلاهای ناگوار بر خود یا خانواده، نزدیکان و دوستانش نگران باشد، می‌تواند عاجزانه دست به درگاه پروردگار بردارد و دفع آن بلاها را از خداوند بخواهد. امام زین‌العابدین علیه السلام فرمود: «إِنَّ الدُّعَاءَ وَ الْبَلَاءَ لَيَتَرَفَقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ الدُّعَاءَ لَيُرِدُّ الْبَلَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِزْمَامًا؛<sup>۱</sup> دعا و بلا تا روز قیامت با هم رفیق هستند. دعا بلا را بر می‌گرداند، در حالی که استوار شده باشد». مراد از استوار شدن بلا این است که قضا و قدر الهی به بلائی تعلق گرفته و همه مراحل آن طی شده باشد و بلا در آستانه نزول باشد، ولی هنوز به مرحله امضا نرسیده باشد. چنین بلائی با دعا قابل دفع است؛ چنان‌که در داستان قوم یونس علیه السلام نزول بلا به مرحله محکمی رسیده بود، ولی هنوز به مرحله امضا و نزول نرسیده بود که وقتی قومش ایمان آوردند و با گریه و زاری دست به دعا برداشتند، عذاب از آنان برداشته شد.

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۴۶۹.

در کلمات امام سجاد علیه‌السلام میان کسی که پیوسته اهل دعاست و کسی که پس از نزول بلا دست به دعا بر می‌دارد، فرق گذاشته شده است. آن حضرت می‌فرماید: «مَنْ تَقَدَّمَ فِي الدُّعَاءِ قَبْلَ أَنْ يَنْزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ ثُمَّ تَقَدَّمَ فِي الدُّعَاءِ ثُمَّ نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ؛<sup>۱</sup> کسی که پیش از نزول بلا در دعا پیشگام باشد، سپس دعا کند؛ برایش مستجاب می‌شود و کسی که در دعا پیشگام نباشد، سپس بلا بر او نازل شود؛ دعایش مستجاب نمی‌شود». بنابراین اگر کسی مأنوس با دعا باشد، خداوند عنایت ویژه‌ای به وی دارد.

## ۲. نمونه‌هایی از دعاهای امام سجاد علیه‌السلام برای رفع بلا

در میان دعاهای امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه سجادیه و کتب دیگر، دعاهایی برای رفع بلا وارد شده است که به چند نمونه از آنها به صورت مختصر اشاره می‌کنیم.

### نمونه اول: بازگرداندن فرد گرفتار به درگاه خداوند

یکی از برنامه‌های هدایتی ائمه علیهم‌السلام توجه دادن گرفتاران به منبع اصلی فیض و رحمت و یادآوری این نکته به آنان بود که به جای درخواست از بندگان خدا، به درگاه خداوند بروند و رفع گرفتاری‌هایشان را از او بخواهند. امام زین‌العابدین علیه‌السلام به مردی گذر کرد که بر در خانه فردی نشسته بود. از او پرسید: «چه چیز تو را بر در خانه این مرد مُتَرَف (مرفه) و جَبَّار (زورگو) نشانده است؟». آن مرد گفت: «بلا مرا اینجا نشانده است». حضرت فرمود: «برخیز تا تو را به دری بهتر راهنمایی کنم و به پروردگاری که برایت بهتر از اوست». سپس دستش را گرفت و او را به مسجدالنبی برد و فرمود: «به طرف قبله بایست و دو رکعت نماز بخوان. آن‌گاه دو دستت را به سوی خداوند عزوجل بردار و ثنایش کن و بر رسولش درود بفرست. سپس به آیات آخر سوره حشر و شش آیه اول سوره حدید و دو آیه آخر سوره آل‌عمران دعا کن. آن‌گاه از خداوند سبحان درخواست کن که هر چه از او بخواهی، به تو عطا می‌کند».<sup>۲</sup>

### نمونه دوم: دعای هفتم صحیفه

نمونه‌ای دیگر از نسخه‌های گره‌گشای امام سجاد علیه‌السلام، دعای هفتم صحیفه سجادیه

۱. علی بن موسی ابن‌طاووس؛ فلاح السائل؛ ص ۴۱-۴۲.

۲. سعید بن هبة الله قطب‌الدین راوندی؛ الدعوات؛ ص ۵۵.

است که هنگام پیش آمدن کار مهم یا نزول حادثه و گرفتاری خوانده می‌شود.<sup>۱</sup> دعای هفتم صحیفه، از دو بخش کلی تشکیل شده است: بخش نخست با ثنای پروردگار و مدح قدرت بی‌انتهای او آغاز می‌شود که خود یکی از آداب دعاست. با توجه به این‌که این دعا برای حوادث و گرفتاری‌ها خوانده می‌شود، در این بخش از دعا بیشتر به قدرت پروردگار برای حل سختی‌ها و مشکلات توجه شده است. دعا این چنین آغاز می‌شود:

«يَا مَنْ نُحَلُّ بِهِ عَقْدَ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ يُفْتَأُ بِهِ حَرَّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرْجِ؛<sup>۲</sup> ای کسی که گره ناخوشی‌ها به وسیله او گشوده می‌شود و حرارت سختی‌ها به سبب او آرام می‌گیرد. ای کسی که راه برون‌رفت به سوی آسودگی‌گشایش را از او می‌خواهند».

در بخش دوم، حاجت و حال خود به درگاه خداوند عرض می‌شود. در آن‌جا مشکل خود و ناتوانی از حل آن یادآوری و این‌که تنها به دست پروردگار حل می‌شود. در فرازی از این بخش می‌گوید: «وَقَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقْلُهُ، وَاللَّيْمُ بِي مَا قَدْ بَهَّظَنِي حَمْلُهُ؛ پروردگارا! بر من محنتی رسیده که بار گرانش مرا از پای در آورده است و به رنجی در افتاده‌ام که بر خود هموار نتوانم کرد». آن‌گاه این چنین ادامه می‌دهد تا در فراز پایانی دعا با صلوات بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام گشایش در کار خود و رفع هم و غم خود را از خدا می‌خواهد.

بی‌شک این دعا الگویی نیکو برای رفع بلا و گرفتاری به دست می‌دهد و همچون دیگر دعاهاى مأثور اهل‌بیت علیهم‌السلام، حاوی نکات تربیتی بسیار ارزشمندی است که مجال برشمردن آن‌ها نیست.

### ج. صبر بر بلا

یکی دیگر از وظایف انسان در برابر بلا، صبر بر آن است. اگر انسان برای رفع بلا دعا نکند، یا دعا کند، اما مصلحت و خواست خدا بر این تعلق گرفته باشد که دعایش را مستجاب نکند و بنده‌اش را به مصیبت و سختی مبتلا کند؛ بنده مؤمن نباید خود را ببازد، بلکه باید با شکیبایی به خواست الهی گردن نهد. این بحث نیز

۱. امام علی بن الحسین علیه‌السلام؛ صحیفه سجادیه؛ ص ۵۲.

۲. همان، ص ۵۳.



بسیار مهم و ارزشمند است که در این زمینه به بیان دو نکته بسنده می‌کنیم.

### ۱. بلاها عرصه آزمون ایمان انسان

بلاها، عرصه آزمون ایمان انسان‌هاست و آنان پس از پذیرش اصل دین، با امتحانات گوناگون آزموده می‌شوند تا مؤمنان راستین از مدعیان دروغین ایمان، شناسایی و غربال شوند و سعادت و شقاوت آن‌ها بر اساس آن رقم بخورد. قرآن کریم در آیات متعددی از جمله در ابتدای سوره عنکبوت بر ضرورت و حتمیت امتحان مؤمنان تأکید کرده است.<sup>۱</sup>

یکی از وظایف مهم انسان در برابر بلاها، صبر بر آن‌هاست. صبر، مهم‌ترین بخش ایمان است که جایگاه آن در ایمان و دینداری، به مثابه جایگاه سر در میان اعضای بدن است. امام سجاد علیه السلام فرمود: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ»<sup>۲</sup> نسبت صبر با ایمان، به منزله نسبت سر است با جسد و کسی که صبر ندارد، ایمانی ندارد». هم‌چنین آن حضرت فرمود:

الصَّبْرُ وَالرِّضَا عَنِ اللَّهِ رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ وَمَنْ صَبَرَ وَرَضِيَ عَنِ اللَّهِ فِيمَا قَضَى عَلَيْهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ لَمْ يَفْضِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ؛<sup>۳</sup> شکیبایی و رضایت از خدا، در رأس طاعت خداست و کسی که شکیبایی ورزد و از قضای خداوند در امور محبوب، یا ناخوشایندش راضی باشد، خداوند عزوجل در امور محبوب یا ناخوشایندش تنها به چیزی حکم می‌کند که برایش بهتر است.

امور محبوب خداوند، همان نعمت‌ها و امور ناخوشایند، همان سختی‌ها و بلاهایی است که به بندگانش می‌دهد. امام زین‌العابدین علیه السلام در جای دیگری از پدرش، از جدش امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «وَكُلُّ الْبَلَاءِ بِالصَّبْرِ»<sup>۴</sup> بلا به صبر گماشته شده است».

۱. عنکبوت: ۲-۳. نیز ر.ک: بقره: ۲۱۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۸۹.

۳. همان، ص ۶۰.

۴. همان، ج ۸، ص ۲۲۱.

گرت چو نوحِ نبی صبر هست در غم طوفان

بلا بگردد و کام هزار ساله برآید<sup>۱</sup>

این اعتقاد که خداوند همواره بهترین چیزها را برای بنده مؤمنش مقدر می‌کند، تحمل سختی‌ها و مصائب را بر بنده آسان و حتی گوارا می‌نماید؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ لَا أَصْرُهُ فِي شَيْءٍ إِلَّا جَعَلْتُهُ خَيْرًا لَهُ فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي وَ لِيُصْبِرْ عَلَيَّ بَلَائِي وَ لِيَشْكُرْ نِعْمَائِي أَكْتُبُهُ يَا مُحَمَّدُ مِنَ الصَّادِقِينَ عِنْدِي<sup>۲</sup>؛ خداوند عزوجل فرمود: بنده مؤمنم را از حالی به حالی نمی‌گردانم، مگر این‌که آن را برایش بهتر قرار می‌دهم؛ پس باید به قضایم خشنود باشد و بر بلایم شکیبایی ورزد و از نعمت‌هایم شکرگزاری کند که در این صورت ای محمد، او را نزد خودم از بسیار راستگویان می‌نویسم.

## ۲. جلوه‌های صبر امام زین‌العابدین علیه السلام

حضرت امام زین‌العابدین علیه السلام در طول دوران اسارت، جلوه‌های بی‌مانند و مثال‌زدنی از صبر و مقاومت در برابر سختی‌ها را آفرید. ایشان از یک سو بر مصیبت فراق عزیزان و اسارت در دست دشمنان صبر کرد. برای مثال وقتی خطیب اموی در مجلس یزید بر منبر رفت و در نکوهش امام حسین علیه السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام و در مدح معاویه و یزید مبالغه کرد، امام سجاد علیه السلام بر سرش چنین فریاد کشید: «وَيْلَكَ أَيُّهَا الْخَاطِبُ اسْتَرَيْتَ مَوْصَاةَ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ فَتَبَوَّأَ مَقْعَدَكَ مِنَ النَّارِ<sup>۳</sup>؛ وای بر تو ای سخنگو! خشنودی مخلوق را به خشم خالق خریدی! پس جایگاهت را در آتش مهیا کن (منتظر جایگاهت در آتش باش)». امام در این موقف با یک جمله کوتاه به همگان فهماند که این کار خطیب، تنها برای دنیاطلبی و جلب رضایت یزید به عنوان بنده‌ای از بندگان خدا و بر خلاف رضای خداست و عاقبت آن نیز چیزی جز آتش دوزخ نیست.

همچنین وقتی پیرمرد شامی در برابر مسجد جامع دمشق به کاروان اسرای

۱. شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی؛ دیوان حافظ با شرح کامل ابیات؛ ص ۲۳۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۶۱.

۳. علی بن موسی ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ص ۱۸۷-۱۸۸.

اهل بیت علیهم السلام که اغلب‌شان از زنان بودند، نزدیک شد و گفت: «حمد خدایی را که شما را کُشت و هلاک کرد و سرزمین‌ها را از دست مردانتان آسوده کرد و امیرالمؤمنین [یزید!] را بر شما مسلط کرد!»؛ امام سجاد علیه السلام او را خطاب کرد و با زبان قرآن با او احتجاج نمود و آیه اجر خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله، آیه اعطای حق خویشاوندان به آنان و آیه خمس و تطهیر را برایش تلاوت نمود و به او یادآوری و تأکید کرد که نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ما میم که خداوند آیه طهارت را به ما اختصاص داده است. پیرمرد پس از اندکی سکوت و درنگ، از سخن گذشته‌اش پشیمان شد و سخنان امام را تأیید کرد. آن‌گاه سر به آسمان برداشت و از دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله بیزارى جست و توبه کرد. وقتی این خبر به یزید رسید، دستور قتل او را صادر نمود و آن پیرمرد جانس را در راه دوستی اهل بیت علیهم السلام فدا کرد.<sup>۱</sup>

---

۱. همان، ص ۱۷۶-۱۷۸.

## فهرست منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی؛ *اللّهوف علی قتل الطفوف*؛ ترجمه احمد فهری زنجانی؛ تهران: نشر جهان، ۱۳۴۸ ش.
۲. \_\_\_\_\_؛ *فلاح السائل*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶ ق.
۳. ابن نما حلی، جعفر بن محمد؛ *مثیر الأحزان*؛ چاپ سوم، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۴. ابومخنف، لوط بن یحیی؛ *وَقعة الطّف*؛ تحقیق محمدهادی یوسفی غروی؛ چاپ سوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۵. امام زین‌العابدین علیه السلام، علی بن الحسین؛ *صحیفه سجادیه*؛ چاپ اول، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۶. اهوازی، حسین بن سعید؛ *المؤمن*؛ قم: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۴ ق.
۷. بیدل دهلوی، عبدالقادر؛ *کلیات بیدل*؛ کابل: دپوهنی وزارت و دارالتألیف ریاست، ۱۳۴۱ ش.
۸. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد؛ *دیوان حافظ با شرح کامل ابیات*؛ چاپ هشتم، تهران: انتشارات گنجینه، ۱۳۸۸ ش.
۹. شریف‌الرضی، محمد بن حسین؛ *نهج‌البلاغه*؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. صدوق، محمد بن علی؛ *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*؛ قم: دارالشریف‌الرضی للنشر، ۱۳۶۴ ش.
۱۱. طبرسی، علی بن حسن؛ *مشکاة الأنوار*؛ چاپ دوم، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
۱۲. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة‌الله؛ *الدعوات*؛ قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب‌الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. مفید، محمد بن محمد؛ *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.